

● شعار سال ۱۴۰۱ در منظومه‌ی آموزش و پرورش

● ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم

● اهل سیاه‌نمایی نه، خواستار تحویلیم

● روزی به نام او

**جمعیت فرهنگیان جوان**

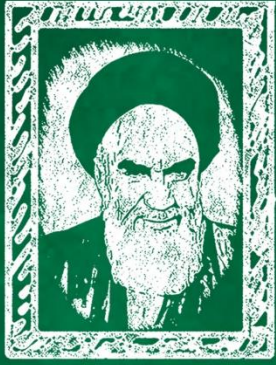
ویژه نامه روز معلم | اردیبهشت ۱۴۰۱ | ۱۴ صفحه



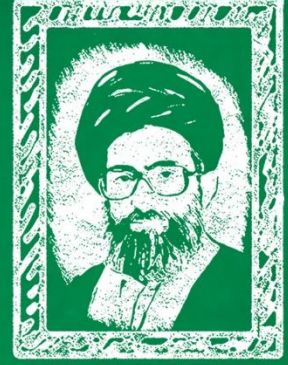
# «از مدرسه تا دانشگاه، از دانشگاه تا مدرسه»







وزارت آموزش و پرورش



روز شهادت استاد مطهری

۱۲ اردیبهشت سالروز شهادت استاد  
مرتضی مطهری و روز معلم گرامی باد.



جایگاه آموزش و پرورش در تحقق شعار سال « تولید، دانش بنیان،

اشتغال آفرین» کجاست؟

هنگامی که به کلمات دقت کنیم متوجه می شویم که رسیدن به هر آرمانی نیاز به یک نیروی انسانی خلاق، ماهر، متعهد و کارآمد دارد. خوب! این نیرو قرار است کجا پرورش یابد؟ پشت پرده شعار سال، تربیت نیروی انسانی در تراز انقلاب اسلامی است. چه بخواهیم و چه نخواهیم رسیدن به این هدف مهم، از آموزش و پرورش عبور می کند. اگر آموزش و پرورش که متولی تربیت از سن ۶ سالگی تا ۱۸ سالگی است، بتواند یک شهروند خلاق، باهوش و متعهد تربیت کند، نه شاهد فرار مغزها خواهیم بود نه از بین رفتن استعدادها. حوزه های مختلف آموزش و پرورش از سطح ابتدایی تا متوسطه و هنرستان تلاش می دارد تا به سمت تربیت شهروند مطلوب حرکت نماید.

در دوره های مختلف تحصیلی، به وفور شاهد طرح هایی هستیم که قرار است به خلاقیت دانش آموز کمک کند! در دوره ابتدایی طرح هایی مثل طرح جابر، طرح خوانا، طرح سواد دیجیتال، طرح معماران نوین تدریس، طرح کارآمد، طرح درس پژوهی، طرح اتقان و در دوره متوسطه، طرح هایی مثل ایران مهارت، مدام، همگام با قرآن، جشنواره های نوآوری و خلاقیت، نوجوان خوارزمی، جوان خوارزمی و طرح های مشترکی همچون حیاط پویا، طرح شهاب، طرح بوم و... پس اگر این طرح ها به تربیت نیروی انسانی در تراز انقلاب منجر نشود، مشکل از کجاست؟! آیا آنگونه که رهبر انقلاب اشاره نموده، به آموزش و پرورش توجهی شده؟

مختصراً باید به استحضار دوستان برسانیم که از شش ساحت موجود در سند تحول بنیادین، سه ساحت به طور مستقیم با شعار سال ۱۴۰۱ در ارتباط است.

- ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای
- ساحت تربیت علمی و فناوری
- ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری

برای تحقق شعار ارزشمند سال نیاز است تا با کاری زیربنایی بر اساس سند تحول بنیادین به سمت تربیت نیروی متخصص در تراز انقلاب اسلامی حرکت نماییم. مسلماً



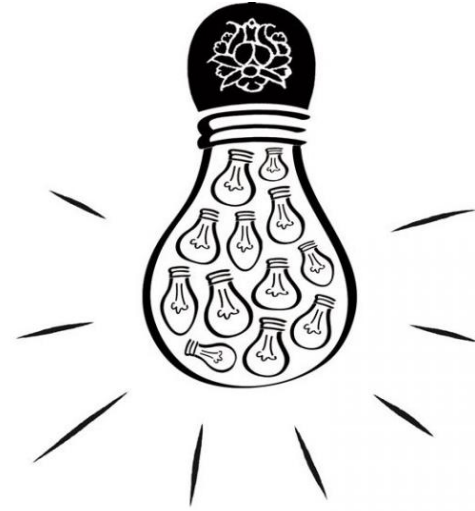
## شعار سال ۱۴۰۱ در منظومه یا آموزش و پرورش

آنچه امروز، ذهن همگی ما را مشغول نموده، این است که مگر حرف از تولید مربوط به امروز و دیروز است؟ چرا «حضرت آقا» جهاد تبیین را به عنوان یک مطالبه ای عمومی مطرح کرده؟ مگر کارکرد معاونت رسانه یا واحد روابط عمومی و امثالهم، تبیین دستاوردهای دستگاه مربوطه و ابعاد مختلف انقلاب نیست؟ پس مطالبه ای عمومی جهاد تبیین به چه معناست؟

به قول دکتر عادل پیغامی، حداقل ۱۳ سال است که رهبر انقلاب، صحبت از زیست بوم جدیدی به نام حوزه ای دانش بنیان می کند! «نگاهی به سیر بیانات و شعارهای سال نشان می دهد که رهبر انقلاب از سال ها پیش بر اقتصاد دانش بنیان و مجموعه کلماتی که اضلاع مختلف حیطة اقتصاد دانش بنیان را مطرح می کنند، تأکید داشتند؛ به عنوان مثال، ایشان سال ۸۷ شعار سال را نوآوری و شکوفایی انتخاب کردند. اصطلاح نوآوری یکی از مهم ترین کلیدواژه هایی است که امروزه اقتصادهای دانش بنیان را با آن معرفی می کنند. کشورهایی که لوکوموتیو و قوه محرکه توسعه و پیشرفتشان مبتنی بر نوآوری است، امروزه برتر از کشورهای هستند که محرکه شان را مبتنی بر بهره وری، محصولات صنعتی یا منابع طبیعی قرار می دهند. امروز کشورهای توسعه یافته را به چهار گروه تقسیم می کنند؛ کشورهایی که مبتنی بر منابع طبیعی هستند. کشورهایی که مبتنی بر مصنوعات اند. کشورهایی که مبتنی بر بهره وری اند. کشورهایی که مبتنی بر نوآوری اند.»



بازدهی این امر در میان مدت و بلندمدت، منجر به پیشرفت هر چه بیشتر در میهن عزیزمان ایران خواهد شد.



## اگر باید تشکیلات باشد!

کار تشکیلاتی چقدر با شعار سال ۱۴۰۱ عجین است؟

داشتم به این موضوع فکر می‌کردم که وقتی رهبر انقلاب بیش از ۱۲۷ بار در سال‌های متمادی و مختلف، حداقل از سال ۱۳۶۸ تا کنون عنوان صریح «تحول‌گرایی» را مطرح می‌کند، به چه معنایی است؟ «البته تحول به سمت پیشرفت، وابسته است به قانون‌گرایی، ارتقاء شفافیت، انضباط مالی، برطرف کردن زمینه‌های فساد، جلوگیری از تعارض منافع و جدیت در اعمال تصمیم‌ها و مصوبه‌ها.» در کتاب «حزب جمهوری اسلامی» به قلم استاد شهید آیت الله بهشتی نکته جالبی مطرح می‌شود که فکر می‌کنم حائز اهمیت است:

«یک نظام، بدون تشکیلی که بر پایه ارزش‌ها باشد، ارزش‌هایی که زیربنای برنامه‌ها باشد، ارزش‌هایی که مورد قبول و باور برنامه‌ریزان و اجرا کنندگان برنامه و مسئولان اجرای برنامه باشد، هرگز پا نمی‌گیرد و دوام نمی‌آورد.»

خوب! پس اگر می‌خواهیم پیشرفت کنیم نیاز به کار تشکیلاتی و رجوع به حلقه‌های میانی داریم. اما آیا کارهای تشکیلاتی صرفاً درون فعالین اصولگرا یا انقلابی است؟ اگر اینطور است چرا صحبت از تبیین در کلام امام جامعه تحت عنوان «جهاد» به عنوان یک مطالبه‌ی عمومی مطرح شده

است؟ تصور می‌کنم رهبر انقلاب به دنبال کار تشکیلاتی با جمعیتی بالغ بر جمعیت کل کشور است.. موضوعی که شاید به دور از ذهن برخی باشد ولی امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) با تلفیق عباراتی همچون «امیدبخشی به جامعه»، «جهاد تبیین»، «دانش‌بنیان»، «امید به آینده با استفاده از تجارب گذشته» در راستای آن حرکت می‌کند.

### آیا سخنان امام جامعه، بانگ نهیبی برای مسئولین است؟

آنچه تصور می‌شود این است که وزارتخانه‌های مختلف با اهداف و وظایف گوناگون باید به سمت اهداف متعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران حرکت نمایند. اما وقتی رهبر انقلاب، طی سال‌های متمادی عباراتی همچون «تولید، اشتغال، تحول و..» را از طرق مختلف بیان می‌دارد، نشان از چیست؟ کاهلی برخی مسئولین؟ بی‌توجهی برخی مسئولین؟ یا نابدلی برخی مسئولین؟ حضرت امام(ره) آینده‌ی انقلاب را ترسیم نمودند و فرمودند:

«نگذارید انقلاب به دست ناهلان بیفتد.»

البته ایشان بعدها در جریان پذیرش قطعنامه پایان جنگ از عبارت «نوشیدن جام زهر» نام بردند و با این گفتار، خط و مشی انقلاب‌فروشان را مشخص کردند.

### اما، انقلاب‌فروشان چه کسانی هستند؟

برای عده‌ای که به اصل انقلاب و حمایت از قشر مستضعف اعتقادی ندارند، انقلاب‌فروشی شغلی است که با مخاطب قرار گرفتن در «نوشیدن جام زهر» آغاز می‌شوند و با لبخند به تحریم‌کنندگان ملت ادامه می‌یابند.. آنها هرگز حرکتی برای تولید نکردند چراکه نفعشان در سوداگری و دلالتی است.. در دلالتی که نمی‌توان شغل یافت! کسی که چشمش به اجنبی است که نمی‌تواند بانگ حمایت از دانش‌بنیان سر دهد!

آری! انگار ما می‌مانیم و یک دنیا آرمان‌هایی که با تمام تلاش، به دنبالشان می‌گردیم اما دائماً با این انقلاب‌ستیزان مواجهیم.. خب! امیدمان به خداست.. البته امام جامعه آنها را به عنوان عبرت جامعه، در صف اول جلسه می‌نشانند تا آنچه را لازم است، نشان دهد. یک جامعه‌ی اسلامی با سلاقی مختلف اما راهبردی مشخص، منسجم و تغییرناپذیر.

### نویسنده: حسین اشراقی

افزایش کاوشگری و تفکر نقادانه نسبت به مسائل، مطالب کلیشه‌ای و تماماً به صورت دانش و با حداقل ایده و تفکر به دانش‌آموزان منتقل می‌کند. امروزه دانش‌آموزان دارای خلأهای بسیاری در زمینه روحیه پرسشگری و تجزیه و تحلیل هستند؛ این دانش‌آموز چگونه می‌تواند به پژوهش فکر کند وقتی سوالی در ذهن ندارد، علاوه بر این که با هیچ‌گونه روش‌های تحقیق آشنا نیست، دانش‌آموزی که نه با فرهنگ کتاب‌خوانی آشناست، نه در موقعیتی قرار گرفته که خود را مجاب به تفکر منطقی کند و نه انگیزه‌ای برای انجام این کار دارد به این نکته توجه کنیم که کاوشگری و پژوهش‌گری توانایی ذاتی نیست و باید نیاز آن ایجاد شود و فرد این نیاز را حس کند تا در او رشد پیدا کند.



#### معلم و دانش‌آموز پژوهشگر

معلم باید بتواند:

۱. روحیه پرسش‌گری در دانش‌آموزان ایجاد کند یعنی ایجاد جو مطلوب برای به وجود آمدن سوال در ذهن دانش‌آموز که قدم اول در پژوهش است.
۲. دانش‌آموزان را به تفکر واگرا دعوت کند بدین صورت که دانش‌آموز به راه‌های مختلفی برای رسیدن به جواب فکر کند و چندبعدی بیندیشد.
۳. برای افزایش تفکر واگرا و روحیه پرسش‌گری باید فرصت اظهارنظر و انتقاد به آن‌ها داد تا بتوانند تجربیات خود، سوالات غیرمعمول و انتقادات خود را بیان کنند.
۴. داشتن تدریس انعطاف‌پذیر
۵. افزایش احساس نیاز
۶. توجه به تفاوت‌های فردی و... از دیگر فعالیت‌هایی است که معلم می‌تواند با انجام آن‌ها به افزایش پژوهش و تحقیق بین دانش‌آموزان کمک کند.



#### ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم

در جهان امروزی پژوهش، پایه پیشرفت در تمامی زمینه‌های علمی است؛ تربیت نیروی کار، جنگ‌های اقتصادی، توسعه فناوری و از این دست موارد مثال‌های بارز برای افزایش مطالعات و تحقیقات مختلف است. یکی دیگر از مواردی که می‌تواند در پژوهش به آن پرداخت افزایش میزان دانایی و تولید دانش مصرفی است به این صورت که آدمی برای افزایش دانایی خود یا باید از منابع گذشته استفاده کند یا به وسیله پژوهش و گسترش اطلاعات و کشفیات به آن دست پیدا کند. دانش جدید، حاصل فعالیت‌های پژوهشی و استفاده از این دانش در زمینه‌های مختلف، موجب بهبود راهکارها در روش‌های قدیمی و معمول می‌شود.

آموزش و پرورش یک کشور نیز نیازمند پژوهش مستمر و چه بسا از مهم‌ترین زمینه‌های پژوهش است. این امر بر همگان واضح است که از وظایف اصلی آموزش و پرورش، تربیت نیروی جوان و کارآمد برای جامعه است. این جوان چگونه باید به تولید علم پردازد؟ چگونه در خصوص مسائل مختلف فکر کند و به نتیجه برسد؟ چگونه علم را با عمل یک‌سو کند؟

یک نیروی جوان زمانی می‌تواند در این راه قدم بردارد که بداند و بیاموزد چگونه باید علم را گسترش دهد. همان‌طور که گفتیم راه گسترش علم، پژوهش و تجزیه تحلیل است؛ متأسفانه در نظام آموزشی کشور ما آن‌طور که باید به این موضوع پرداخته نشده؛ مدرسه‌ای که به جای

## والدین و دانش‌آموز پژوهشگر

عملی می‌پردازند؛ نام دیگر پژوهش‌های عملی اقدام پژوهی است. این طرح به پیشنهاد پژوهشکده تعلیم و تربیت و از سوی وزارت آموزش و پرورش در مدارس اجرایی شده‌است. همان‌طور که از نام اقدام پژوهی پیداست معلم پس از پیدا کردن مشکل و پژوهش در خصوص آن اقدام به اصلاح می‌کند و آن را در قالب پژوهش به نگارش درمی‌آورد. حالا قضاوت این‌که چه اندازه این طرح بر روی پژوهشگر شدن دانش‌آموزان مؤثر است با شما.

در ابتدا والدین باید خود، نقش الگویی داشته باشند. الگوبرداری کودکان از والدین یکی از مهم‌ترین روش‌های یادگیری برای آن‌ها به شمار می‌رود بدین‌صورت که یاد بگیرند، مشاهده کنند و آن را در عمل انجام دهند. والدین باید دانش‌آموز خود را عادت دهند که مطالعه کنند و روحیه کتاب دوستی را در آن‌ها تقویت کنند مخصوصاً مطالعه کتاب‌های غیردرسی. حس کنجکاوی آن‌ها را سرکوب نکنند و به سوالات آن‌ها پاسخ دهند.



## پژوهش و سند تحول بنیادین

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به‌عنوان یک برنامه مداخله ملی مواردی را در خصوص اهمیت پژوهش ذکر کرده که توجه به آن‌ها حائز اهمیت است؛

- ◆ توسعه زمینه پژوهشگری، ایجاد فرصت‌های بازآموزی مستمر علمی و تحقیقاتی و مطالعاتی و اختصاص اعتبارات خاص برای فعالیت‌های پژوهشی معلمان.
- ◆ ایجاد شبکه پژوهشی فعال و فراگیر در درون ساختار نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با استفاده از فناوری‌های نوین و در قالب شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات.
- ◆ استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود برای گسترش فرهنگ تفکر و پژوهش در بین مدیران، مربیان و تامین پژوهشگر مورد نیاز نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و حمایت از پژوهشگران فعال و مجرب.
- ◆ تدوین نظام جامع حمایت از پژوهشگران حوزه آموزش و پرورش و هدایت موضوعات و اهداف پژوهشی در راستای تحقق اهداف تعلیم و تربیت رسمی.

## اقدامات وزارت آموزش و پرورش جهت افزایش پژوهشگری

یکی از اقدامات اصلی آموزش و پرورش تأسیس پژوهشسراهای دانش‌آموزی است. از وظایف این پژوهشسراها می‌توان به آشنایی و هدایت دانش‌آموزان مستعد، حمایت از دانش‌آموزان پژوهشگر و برگزاری جشنواره‌ها نام برد. با مطالعه‌ی دقیق اساسنامه این پژوهشسراها می‌توان پی‌برد که به همه دانش‌آموزان با همه توانایی‌ها توجه نشده و تنها به دانش‌آموزان مستعد در زمینه‌های علمی پرداخته می‌شود. یکی دیگر از فعالیت‌های پژوهشسرا برگزاری جشنواره‌های علمی است و این جشنواره‌ها تنها اقدام عملی و عینی وزارت آموزش و پرورش در سطح مدارس در حوزه پژوهش است البته این را هم بگویم که از حق نگذریم در پایه ششم مقطع ابتدایی کتابی با عنوان تفکر و پژوهش تالیف شده‌است که تدریس نیمی از موضوعات آن انتخابی است. جشنواره‌هایی که موضوعات آن اغلب روی زیست فناوری، نجوم، نانو و علوم تجربی و آزمایشگاهی متمرکز شده است و موضوعات علوم انسانی که می‌تواند حیات فرهنگی و تمدن یک کشور باشد به دست فراموشی سپرده شده است. سوال: چند بار خودمان و دانش‌آموزان مان در جشنواره‌ها شرکت کرده‌ایم؟ چند درصد از دانش‌آموزان، علاقمند به شرکت هستند؟ این جشنواره‌ها تا چه حد به افزایش سطح پژوهشگری در مدارس و دانش‌آموزان کمک کرده‌است؟

اقدامی دیگر آموزش و پرورش طرح معلم پژوهنده است منظور از معلم پژوهنده، معلمان و تمامی کارکنان آموزش و پرورش است که در زمینه‌های مختلف نظام آموزشی جهت بهبودی اوضاع و حل مسائل به پژوهش‌های



سازمان می‌پرداخت حالا خود زیرمجموعه یکی از شلوغ‌ترین معاونت‌ها در ادارات کل است. اثر اقدامات این چنینی در آینده‌ای نه‌چندان دور به‌وضوح خودش را نشان می‌دهد. در آبان‌ماه سال ۱۳۹۹، جهت کاهش گستردگی ساختار اداری، معاونت پژوهشی حذف و در معاونتی دیگر ادغام شد.

با نگاهی گذرا به مطالب گفته‌شده می‌بینیم که سازمان‌ها و بخش‌های متولی آموزش و پرورش مخصوصاً وزارت آموزش و پرورش و سند تحول بنیادین در تلاش برای اصلاح وضع موجود در زمینه‌های پژوهش و والدین و مدرسه و معلمان در تلاش برای تربیت دانش‌آموز پژوهنده و نیروی فعال پویا و گسترش‌دهنده علم هستند. تمامی این حرف‌ها به این‌جا ختم می‌شود که ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا مدرسه و معلم و دانش‌آموز پژوهشگر داشته باشیم حال آن‌که الان در کجای مسیر هستیم قابل تأمل است.

#### **نویسنده: پوریا گلپایگانی**

#### **◆ حمایت‌های مادی و معنوی از طرح‌های موفق و نوآوری‌های تربیتی بومی، مستندسازی و انتشار یافته‌های پژوهشی در داخل و خارج از کشور و ایجاد بانک اطلاعاتی فعال و کارآمد.**

آن چیز که در این سند به آن اشاره می‌شود آموزش و پرورش به‌عنوان یک سازمان پژوهنده و یادگیرنده در نظر گرفته می‌شود؛ بدین معنا که خودش، خودش را بررسی می‌کند، مشکلات را شناسایی می‌کند و برای رفع مشکلات راه‌حل ارائه می‌کند. پژوهش‌های انجام‌گرفته در آموزش و پرورش اغلب پژوهش‌های کمی و گذشته‌نگر هستند. پژوهش می‌بایست آینده‌نگری داشته باشد و راه‌حلی را برای بهتر شدن و پیشرفت ارائه کند. در برنامه‌های زیرنظام پژوهش حداقل ۳۸ برنامه دیده می‌شود که این برنامه برای اجرایی شدن به معاونت‌ها و بخش‌های مختلفی در حوزه آموزش و پرورش محول شده‌است. پژوهشگاه آموزش و پرورش، مرکز سنجش، معاونت توسعه و مدیریت وزارتخانه آموزش و پرورش، صندوق‌های حمایت از پژوهشگران، شورای عالی آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، معاونت پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش، دانشگاه فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی که طی ابلاغ رسمی به آن‌ها اطلاع‌رسانی شده‌است.

#### **عجیب اما واقعی**

یکی از اقدامات جالب‌توجه وزارت آموزش و پرورش حذف معاونت پژوهش و ادغام آن با معاونت توسعه و مدیریت انسانی است؛ اقدامی نه‌چندان کارشناسانه که اهمیت پژوهش را باز هم کم‌رنگ‌تر می‌کند و آن را به حاشیه می‌راند و تا اندازه زیادی با سیاست‌ها و برنامه‌های سند تحول در تناقض است با توجه به این‌که تحقق اهداف سند تحول امری ضروری در آموزش و پرورش است و با توجه به گفته‌های پیشین و اهمیت پژوهش در این سند، نتیجه می‌گیریم که نه تنها در امر پژوهش موفقیتی کسب نکردیم بلکه به‌دنبال حذف صورت مسئله هستیم. معاونت توسعه مدیریت منابع انسانی که خود دارای چهار اداره و یک مدیریت است چگونه می‌تواند نگاه ویژه‌ای به بحث پژوهش داشته باشد. لازم به ذکر است که در نمودار سازمانی ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها، تحقیق و پژوهش با عنوان "گروه" نامیده می‌شود، نه اداره؛ معاونتی مستقل که به‌طور اختصاصی روی بحث پژوهش‌ها در این



حال در دانشگاه فرهنگیان که مرجع تربیت معلم در ایران است از همان ابتدای کار ما با یک سیستم رها شده‌ی جذب و پذیرش دانشجویان روبه‌رو هستیم سیستمی که اعتقادات دانش‌آموزان را با نحوه صحیح وضو گرفتن آنان و التزام آنها به انقلاب را با سوال از خطبه‌های نماز جمعه و سوال از تعداد دفعات شرکت در راهپیمایی‌ها می‌سنجد! این سیستم رشد دهنده تظاهر است و به افراد اجازه تظاهر می‌دهد. البته این نکته حائز اهمیت است که مشکل اصلی از ساز و کارهای اجرایی این پذیرش است و گرنه مصاحبه از داوطلبان و گزینش آنان به خودی خود مشکلی ندارد.

در این شیوه از پذیرش خلق و خوی دانش‌آموزان و شخصیت آنان توسط روانشناسان به خوبی بررسی نمی‌شود و چه بسا در دانشگاه ما با دانشجویانی برخورد داریم که ثبات شخصیتی نداشته، اعتماد به نفس، عزت نفس کافی و اخلاق مناسبی برای معلم شدن ندارند.

در حقیقت در این سیستم به طور دقیق مشخص نیست که چه ملاک و معیاری برای این پذیرش و گزینش‌ها وجود دارد آیا تنها دانستن شیوه صحیح نماز خواندن یا سوال از تعداد دفعات شرکت در راهپیمایی‌ها داشتن شخصیت و روحیه معلمی و معتقد بودن دانش‌آموزان را ضمانت می‌کند؟

از طرفی شنیده‌ها حاکی از آن است که پای عدالت این سیستم نیز لنگ می‌زند به طوری که در جریان جذب و پذیرش، حکایت دنباله‌دار پارتی بازی برای پذیرش برخی از داوطلبان به وضوح دیده می‌شود و ما در دانشگاه شاهد این قضیه هستیم که فردی به دلیل شغل و جایگاه اجتماعی پدرش به راحتی وارد این دانشگاه شده است.



**دربطن دانشگاه فرهنگیان**

دانشگاهی که فیلتر مناسبی برای جذب افراد نداشته حال با خیل عظیمی از دانشجویانی روبرو است که باید



## اهل سیاه‌نمایی نه، خواستار تحولیم

«تمامی آنچه که در این مطلب بیان می‌شود از آن جهت است که در آخر بگوییم ما خواستار تحول در چگونگی معلم شدن خود هستیم!»

استرس کنکور و انتخاب رشته آن برای بعضی از دانش‌آموزها منتهی می‌شود به انتخاب دانشگاه فرهنگیان، بله، معلم بودن را انتخاب می‌کنند. با گذر از انگیزه اصلی آنان که آیا واقعا دل‌باخته معلم شدن هستند یا برای در امان ماندن از بیکاری آینده یا فرار از کابوس سربازی اجباری به این شغل روی می‌آورند، نکته اصلی در چگونگی معلم شدن این دانش‌آموزان خلاصه می‌شود.

دانش‌آموزانی که پس از ۱۲ سال از مدرسه به دانشگاه می‌آیند و پس از سپری کردن چهار سال، مجدداً به مدت ۳۰ سال به مدرسه باز می‌گردند. نقطه عطف ماجرا همین چهار سال است، در حال حاضر دانشگاه فرهنگیان در ایران تنها دانشگاهی است که ماهیت خود را در تربیت معلم تعریف می‌کند. اما این دانشگاه مامور به تربیت چه نوع معلمی است؟ در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که اکنون مرجع بحث‌های مسئولین و پژوهشگران تعلیم و تربیت است پاسخ به این سوال داده شده، طبق این سند معلم به فردی اطلاق می‌شود که رسالت خطیر تربیت دانش‌آموزان را بر عهده دارد در ادامه، این سند بر تقویت شایستگی‌های اعتقادی، اخلاقی و حرفه‌ای معلمان و تحکیم نقش الگویی آنان تاکید می‌کند. بدین ترتیب این سند مدل مطلوب خود از معلم را اینگونه ترسیم کرده است.





های آموزشی برای رشته دبیری ادبیات کم و ناکارآمد هستند. به طور مثال ما در طول یک ترم دو درس تخصصی مثل متون نظم خاقانی و نظامی را در شانزده جلسه ۹۰ دقیقه ای با هم میخوانیم در صورتی که در دانشگاه‌های دیگر وقتی شخصی دانشجوی مقطع کارشناسی ادبیات است در طول ترم به طور مثال فقط متون نظم خاقانی را می‌خواند و ترم بعد نظامی را. همین عامل باعث می‌شود تا حجم مطالبی که یک دبیر ادبیات فرا می‌گیرد خیلی محدود شود.

نکته مهم دیگر این است که دروس علوم تربیتی برای رشته های دبیری واقعا زیاد هستند به طوری که دیگر وقتی برای درس های تخصصی ما باقی نمی‌گذارند در صورتی که در رشته های دبیری درس های تخصصی حرف اول را می‌زنند. دروسی مانند کارورزی، پژوهش و توسعه حرفه‌ای را باید اساتید ادبیات تدریس کنند نه یک استاد علوم تربیتی که خود معلم ابتدایی بوده است.

#### **دانشجوی کارشناسی دبیری الهیات روایت می‌کند:**

اگر بخواهم از نقاط قوت شروع کنم باید بگویم در رشته الهیات خوشبختانه دروسی مانند کلام، منطق و فلسفه اسلامی وضعیت مطلوبی دارند و اساتیدی با معلومات بسیار بالا آن‌ها را تدریس می‌کنند. اما برخی از سرفصل‌ها برای دبیری الهیات کاربردی نیستند یا اگر هم کاربردی باشند اساتید به گونه‌ای تدریس نکرده‌اند که ما متوجه اهمیت و جایگاه آن درس باشیم به طور مثال ما دروسی به نام مدیریت آموزشی و برنامه ریزی درسی را گذرانده ایم ولی می‌توان گفت که الان بعد از ۷ ترم واقعا نمی‌دانیم که این دو درس چه کاربردی برای ما داشته‌اند و چه اطلاعاتی را به ما منتقل کرده‌اند به این خاطر که استاد صرفا از روی یک جزوه تدریس می‌کردند و در امتحان هم ما همان جزوه را می‌خواندیم و نمره ای دریافت می‌کردیم.

#### **درمانده شدن در آموزش حضوری**

نگرانی‌ها از کمبود شدید معلمان تا سال ۱۴۰۲، سبب باز شدن درب های دانشگاه فرهنگیان بر روی خیل عظیمی از داوطلبان شد. این بازگشایی و جذب حداکثری داوطلبان به خصوص در ایام شیوع ویروس کرونا و آموزش مجازی بدون در نظر گرفتن زیرساخت‌های رفاهی و آموزشی انجام شد هرچند مسئولین بیان می‌کردند که افزایش پذیرش در دانشگاه فرهنگیان با توجه به زیرساخت های این دانشگاه

شایستگی حرفه‌ای، اخلاقی و اعتقادی آنها را در این چهار سال رقم بزند. در این مورد هم اخبار چندان خوشایندی از سوی دانشجویان به گوش نمی‌رسد اگر شکایات و اعتراضات دانشجویان در بحث‌های رفاهی، صنفی و بحث کسورات را کنار بگذاریم، وضعیت آموزش دانشجویان و سرفصل‌های آموزشی در دانشگاه فرهنگیان چندان خوشایند نیست.

شاهد این ادعا گفته های دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در رشته های مختلف است که در ادامه می‌شنویم:

#### **دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی روایت می‌کند:**

اگر بخواهم از نقاط قوت شروع کنم باید بگویم: از نظر من اساتیدی که معلم مدرسه هستند تخصصی تر عمل می‌کنند و این در درس کارورزی نمود بیشتری پیدا میکند و خوشبختانه در پردیس ما این اساتید در درس کارورزی حضور داشته‌اند اما در مورد دانشگاه فرهنگیان باید گفت تعداد اساتید ضعیف بیشتر از اساتید قوی است.

یکی از ضعف‌هایی که به چشم می‌خورد این است که در انتخاب و گزینش اساتید بد عمل شده است. به طور مثال مدیرگروه رشته‌ها در انتخاب برخی از اساتید سلیقه‌ای عمل می‌کنند به طوری که ما اساتیدی داریم که مسئول خود دانشگاه هستند و به این خاطر اصلا فرصت تدریس را ندارند و همیشه ارائه درس برعهده خود دانشجویان بوده است. اساتید روان‌شناسی رشد، نظریه‌های یادگیری، فنون و مبانی مشاوره اساتید توانمندی نبوده‌اند و صرفا یکسری مطالب کلیشه‌ای از روی کتاب برای ما تدریس می‌کردند.

متأسفانه در دانشگاه فرهنگیان ما شاهد این مسئله هستیم که برخی از اساتید به دنبال فروش محصولات و کتاب خود هستند و منفعت شخصی برایشان اولویت دارد. همچنین طراحی واحد یادگیری و طراحی واحد آموزشی ۲ سرفصل شبیه به هم هستند و ما خروجی خوبی از این دو درس دریافت نکرده ایم به این خاطر که دانشجویان هنوز مفهوم را فرا نگرفته، صرفاً پروژه ای را انجام داده و نمره ای دریافت کرده است.

#### **دانشجوی کارشناسی دبیری ادبیات روایت می‌کند:**

نکته ای که باید اول اشاره کنم این است که ما در رشته ادبیات اساتیدی با سطح علمی بالایی داریم و نمیتوان گفت که این رشته خالی از اساتید عالی است اما سرفصل

ویلیام و کارلین گلسر در این کتاب گفت‌وگوهایی را شبیه‌سازی کرده‌اند. این چهار زمینه عبارتند از: گفت‌وگوی معلم و شاگرد، گفتگوی والدین با فرزندان، گفتگوی مدیر با کارمند، گفتگوی زن و شوهر. به عنوان مثال در زمینه گفت‌وگوی معلم و شاگرد با زبان کنترل بیرونی این عبارت آمده است: «از فردا هر کس بدون دلیل موجه از مدرسه غیبت بکنه، پرونده‌اش را می‌فرستم اداره.» برای اینکه ببینید به زبان تئوری انتخاب این عبارت چه تغییری می‌کند از شما دعوت می‌کنم سری به خود کتاب بزنید.

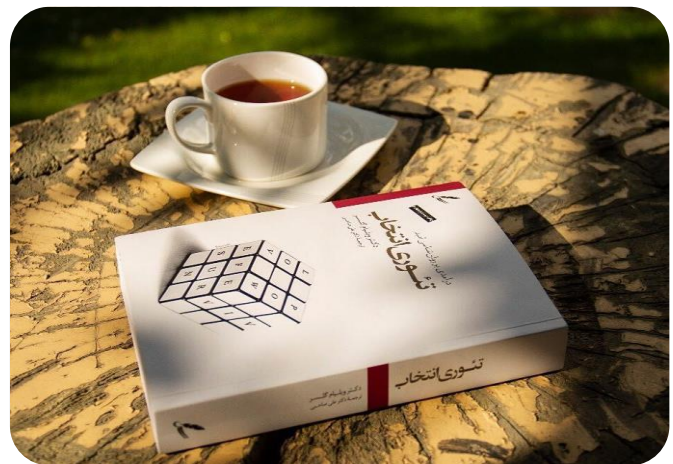
### قسمتی از کتاب:

« معلمی کردن و آموزش دادن، یادگیری دوجانبه است پس کاملاً طبیعی است که معلمان در فرایند کار خود رضایت و خشنودی را دو برابر تجربه کنند و به همین نسبت، ناکامی و ناخشنودی را نیز دو برابر افراد عادی تجربه نمایند. هدف از به کارگیری تئوری انتخاب در کلاس درس، کمک به معلمان برای داشتن و تجربه کردن لحظات لذت و رضایت بیشتر و استرس و ناکامی کمتر است، اگر معلم بتواند زمان و مقدار ناکامی و احساسات منفی دانش آموزان را کاهش دهد، احساسات دردناک و رنج آور خودش نیز کاهش می‌یابد. این کتاب به شما می‌آموزد که اگر معلمان امکان رسیدن دانش آموزان به نیازهای حقیقیشان (ایجاد شرایط منصفانه برای ارضای مسئولانه نیازهای اساسیشان) را فراهم سازند، خود نیز به خواسته اصلیشان خواهند رسید.»

صورت می‌پذیرد اما گویی در محاسبات خود اشتباه کرده‌اند. شاهد این ادعا آن است که در شرایط حاضر که تمامی دانشگاه‌ها برای بازگشایی کامل خود اقدام کرده‌اند، پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان با احتیاط کامل و تنها برای تعداد اندکی از رشته‌ها و ورودی‌ها که اکثراً آموزش ابتدایی هستند بازگشایی خود را اعلام کرده است و مشخص نیست که سایر رشته‌ها و ورودی‌های این دانشگاه تا چه زمانی درگیر آموزش مجازی خواهند بود.

نویسنده: فرانک آرامی

### معرفی کتاب



نام کتاب: تئوری انتخاب

نویسنده: دکتر ویلیام گلسر

ترجمه: دکتر علی صاحبی

کتاب تئوری انتخاب، مشخصاً برای معلم‌ها نوشته نشده ولی خواندن آن به طور ویژه به همه معلم‌هایی که دغدغه داشتن روابطی سالم و مثبت با دانش‌آموزانشان دارند؛ توصیه می‌شود. بر اساس تئوری انتخاب ریشه تمام رفتارهای ما در درون خودمان قرار دارد و عوامل بیرونی تاثیر بسیار ناچیزی روی انتخاب‌های ما دارند. هدف هر یک از رفتارهای ما برآورده کردن یکی از پنج نیاز اساسی است که عبارتند از بقاء، آزادی، لذت، پیشرفت و احساس تعلق یا همان عشق.

«معلم یعنی کسی که در دل انسان یک چراغی را روشن می‌کند و او را از جهالتی به دانایی و معرفتی رهنمون می‌شود؛ این معنای معلم است. این بزرگترین چیزی است که در حیات انسان قابل تصور است. نمونه آن، معلم شهید عزیز امروز ما، یعنی شهید مطهری است که با دانش خود، با فکر عمیق و نیرومند خود، ابعادی از مسائل اسلامی را در بخش‌های مختلف حلاجی، بررسی، روشن کرد و در خلال ده‌ها کتاب با ارزش، این‌ها را در اختیار ما قرار داد.»

### معلم برجسته و همیشه زنده

« یاد شهید عزیزمان، معلم برجسته و همیشه زنده و پایدارمان، مرحوم شهید مطهری را باید گرامی بداریم. من عرض بکنم؛ اینکه روز معلم را در سالگرد شهادت شهید مطهری قرار - دادند، معنای نمادین و پرمغز و پر مضمونی دارد؛ چون حق و انصاف مرحوم شهید مطهری - یک انسان بزرگ و برجسته بود. زندگی او، تلاش مؤمنانه و عالمانه، همراه با احساس درد، همراه با یک بصیرت کامل در میدان علم و معرفت و فرهنگ بود. خدای متعال هم این مرد بزرگ را مأجور کرد، پاداش داد و شهادت را نصیب او کرد؛ در واقع او را زنده نگه داشت.»



### مقامی خاص، روزی خاص تر

در طول تاریخ از بدو وجود آدمی تا امروز، قلم‌های متعددی در مدح معلم نگاشته شده است. علم و آموختن همیشه جایگاه بالایی داشته اما در ارزش‌گذاری‌های انسانی



### روزی به نام او

شاید انجام بسیاری از کارها نیاز به بهانه و یا اتفاق خاصی نداشته باشد، اما بی‌بهانه فراموش‌شان کرده باشیم. اما همگی در گوشه تقویم ذهن‌مان روزهایی را ثبت کرده و هرساله مرور می‌کنیم تا در پس این هیاهوهای پوچ روزمرگی زندگی، بهانه‌ای برای فراموش شدنشان نداشته باشیم. شهادت شهید مطهر، **مرتضی مطهری** فرصت و بهانه‌ایست تا فداکاری‌ها و زحمات معلمان و مربیان عرصه تعلیم و تربیت که بدون توقع از هر اجر و تقدیری است، ارج و قدر دانسته شود. معلمانی که شمع وار، همواره خود می‌سوزند تا روشنایی دانایی برافروزنده بی‌تعارف و شعار، هرگونه جفا و خطا نسبت به معلمان و نیز دانشجومعلمان، جفا و خطایی است مضاعف در قبال فرزندان و نسل‌های آینده ساز آینده، چه آنکه این جفا از سمت مسئولین و سیاست‌گذاران باشد و چه اینکه این جفا از سمت ما معلمان آینده باشد، در برابر تعهد و مسئولیت معلمی خودمان.



### فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب در وصف شهید مطهری

اندیشه مطهر



سال ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان، این روز به عنوان روز معلم نامگذاری شد.

### بنگلادش

روز معلم در بنگلادش ۴ اکتبر می باشد. معمولاً برگزاری مراسم بزرگداشت معلمان در این کشور یک هفته طول می کشد، اما روز اصلی آن ۴ اکتبر است. در این مدت زمان هیچ روزی مدارس تعطیل نیستند و معلمان و دانش آموزان سرکلاس ها می آیند اما خبری از درس نیست. معلمان از تجربیات و خاطرات خود برای دانش آموزان صحبت می کنند و دانش آموزان هم برای معلمان خود کارت تبریک و یا هدایای ویژه‌ای می آورند.

### چین

روز معلم در چین ۱۰ سپتامبر می باشد. دانش آموزان در روز معلم در این کشور علاوه بر اینکه با دادن هدیه و یا کارت های تبریک از معلمان خود قدردانی می کنند، براساس سنت و مراسم ویژه ای به دیدار معلمان قدیمی خود در دیگر مقاطع تحصیلی می روند اما آنچه در مورد تاریخ روز معلم جالب به نظر می رسد این است که در سال ۱۹۸۵ میلادی، دولت به طور ناگهانی تاریخ دهم سپتامبر را به عنوان روز بزرگداشت برای معلمان اعلام کرد و هیچ گاه هم توضیحی برای دلیل نامگذاری یک چنین روزی در این تاریخ خاص ارائه نداد. در حال حاضر اکثر مردم چین خواهان این هستند که تاریخ مراسم بزرگداشت روز معلم در کشورشان به ۲۸ سپتامبر هم زمان با تاریخ برگزاری بزرگداشت این روز در تایوان انتقال یابد.

### ترکیه

روز معلم در ترکیه ۲۴ نوامبر می باشد. «مصطفی کمال آتاتورک» معتقد بود که نسل جدید ترک ها توسط معلمان ساخته می شوند. او به خاطر تاسیس یک الفبای جدید در سال ۱۹۲۳ برای ترک ها به معلم اول ترکیه شهره بود. ۲۴ نوامبر روزی است که به عنوان روز معلم در تاریخ این کشور ثبت شد.

### هند

روز معلم در هند ۵ سپتامبر است. این روز مصادف است با سالروز تولد «سارولی راکریشنا»، رییس جمهوری

کسی که یاد می دهد و دانشی را منتقل می کند، مورد تایید و تکریم تمام افراد جامعه اش خواهد بود.

آموزگار بودن فرای از عشق و علاقه، جهانی را می طلبد که در آن علم ارزشمند شمرده شود؛ زیرا بدون ارزش، جایگاه علم خدشه دار شده و در میدان علم بازتولیدی صورت نمی گیرد.

در این بین این معلم است که محصول ارزش گذاری ها و توجهات است. امروز با بروز فرهنگ های مختلف و فواصل انسانی و اجتماعی که با توجه به قرارداد های انسانی به جایگاه ظهور رسیده می توان به این نتیجه رسید که برون داد علم آموزی در فضاهای انسانی و تمدنی مختلف با نژاد، فرهنگ، زبان و شمال و جنوب و شرق و غرب سنجیده نمی شود، بلکه سرمایه گذاری ها در عرصه علم و توجه و اهتمام ورزیدن به وجود معلم راه را معین میکند و آینده را می نگارد.

حال که زندگی می کنیم جهان معلم را میشناسد و به او احترام می گذارد؛ فارغ از شعار ها و نماد سازی ها این یک اصل است. یکی از نماد سازی های معروف در اکثر سرزمین ها نام گذاری روزی به نام معلم است که اکثراً مبدا تاریخی سرشاری را داراست.

### آری معلم جغرافیا نمی شناسد...

از سال ۱۹۹۴ به بعد، پنجم اکتبر (۱۳ مهرماه) هر سال از سوی یونسکو «روز جهانی معلم» اعلام شده است. هدف از اعلام چنین روزی بها دادن به معلمان، قدردانی از آن ها و بررسی مشکلاتشان در سراسر دنیا اعلام شده است اما بحث «روز معلم» چیز دیگری است. کشورهایی که به صورت ویژه در تقویم تاریخ خود «روز معلم» را ثبت کرده اند، هر یک دلیل و بهانه‌ی خاصی برای ثبت چنین روزی دارند و هر یک به گونه‌ای مراسم بزرگداشت روز معلم را جشن می گیرند. به بهانه‌ی «روز معلم» نگاه مختصری به بیان زمان و تاریخچه‌ی این روز و نحوه‌ی بزرگداشت آن در کشورهای مختلف دنیا انداخته ایم:

### ایران

روز ۱۲ اردیبهشت در تقویم جمهوری اسلامی ایران، روز معلم نامگذاری شده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شهادت استاد مرتضی مطهری در روز ۱۲ اردیبهشت ماه



سابق هند که اعتقادی شگرف به آموزش و پرورش داشت. راکریشنا یک دیپلمات برجسته، پژوهشگر و دانشمندی خوشنام، رییس جمهور هند و بالاتر از همه یک معلم بود. زمانی که دکتر راکریشنا در سال ۱۹۶۲ رییس جمهور هند شد، گروهی از دانش آموزان و دوستانش با او ملاقات کردند و از او خواستند به آنان اجازه دهد روز ۵ سپتامبر، سالگرد تولدش را جشن بگیرند.

دکتر راکریشنا در پاسخ گفت که به جای بزرگداشت سالروز تولد من، مایه ی افتخارم است، اگر ۵ سپتامبر به عنوان روز معلم شناخته شود. از آن پس این روز در هند روز معلم نامیده شد. روز معلم در کشور هند مورد توجه معلمان و دانش آموزان قرار دارد. در این روز نه تنها معلمان مورد تقدیر قرار می گیرند، بلکه دانش آموزان ارشد و قدیمی تر کنفرانس هایی را ارائه کرده و تمام وظایف یک معلم را انجام می دهند. به این ترتیب دانش آموزان به اهمیت معلم ها و کار سخت آنها پی می برند و از سوی دیگر آموزگاران نیز به یاد می آورند که وقتی دانش آموز بودند چه احساسی داشتند.

### **ایالات متحده**

در ایالات متحده روز ملی معلم اولین سه شنبه ی ماه مه برگزار می شود اما هفته ی اول ماه مه به طور کل هفته ی معلم محسوب می شود. انجمن ملی آموزش و پرورش ایالات متحده این روز را به عنوان روز معلم برای قدردانی از زحمات معلمان تعیین کرده است. ولی تاریخچه ی تعیین روز معلم در تقویم ایالات متحده، به تلاش های «رایان کراگ» معلم ویسکانسین در سال ۱۹۴۴ باز می گردد.

او با بحث و جدل زیاد با مسئولان سیاسی و آموزش و پرورش تلاش بسیاری برای ثبت روزی تحت عنوان روز معلم در تاریخ رسمی کشور کرد. او بعدها به روزولت، رییس جمهوری وقت، نامه ای در این مورد نوشت و روزولت نیز پنجاه و یکمین کنگره ی ایالات متحده را متقاعد به تعیین تاریخ ۷ مارس به عنوان روز ملی معلم کرد اما این روز بعدها به هفته ی اول ماه مه تغییر یافت.

**نویسنده: امیرحسین فکر جوان**

تمامی دوران کودکی و نوجوانی من، بیش از آن که در خانه باشم در مدرسه و تحت تاثیر معلم قرار می‌گرفت که روزهای خوب و بد داشتند، گاهی غم‌هایشان را پشت در- های مدرسه می‌گذاشتند و با لبخند و انرژی وارد کلاس می‌شدند. کسانی که از رفتار و حتی نوع پوشش، اولین الگوهایی زندگی دانش آموزانش بودند.

پس از کنکور با دیدن رشته که مرا به معلمی نزدیکتر می‌کرد، در پوست خود نمی‌گنجیدم. دوران دانشجویی مباحث گسترده‌ای پیرامون ارتباط موثر، آموزش هدفمند، انواع برنامه‌های درسی کاربردی را کلاس درس آموختم. از زمانیکه با علاقه و اشتیاق به این حرفه وارد مدرسه شدم، دیدگاهم نسبت به معلمی به کلی دچار تغییر شد؛ چرا که در بستر سنتی اداری و آموزشی مدارس موانع زیادی جهت فعالیت وجود دارد، بخصوص که این موضوع در تا حدی در تضاد با تمام آرمان‌ها و تصوراتی که از دانشگاه در ذهن داشتم، بود (نگاه تبعیضانه کادر اداری به نومعلمان به عنوان افراد بی‌تجربه، ناآشنایی با قانون و مقررات مدرسه، حدود و اختیارات معلم و ...). ان تضادها بخصوص ناامیدی که معلمان با سابقه به نومعلمان انتقال می‌دهند، تبعیض‌هایی والدین و حتی کادر اجرایی مدرسه بین معلمان قائل می‌شوند، اشتیاق و انگیزه ما را کاهش می‌دهد و مقابله با آن سخت است. از طرف دیگر نداشتن تجربه و منتقل نشدن آن از معلمان با سابقه برای مدیریت کلاس، چگونگی برخورد با اولیا و دانش آموزان نیاز به توجه بیشتر، نداشتن تسلط بر محتوای درسی و ... همگی این‌ها باعث می‌شود سال اول برای یک نومعلم، ترسناک باشد و البته برای همه هم دوره‌هایی من اینگونه نبود.

به تازگی دریافتم که معلمی عشق می‌خواهد، همان یک کلمه عشق، چقدر زخمی و چقدر پر چالش است، تنها عنصری که این عشق را در معلم شعله‌ور نگاه می‌دارد علاقه معلم به آموزش و دانش آموزان است. ختم کلام معلمی هنر عشق ورزی به دیگری است.

چالش‌ها و راه حل‌های پیشنهادی که قطعاً تمامی نومعلمان با آن روبرو هستند، عبارتند از :

#### ♦ چالش‌های فردی

- تنش و اضطراب در اوایل خدمت
- عدم حمایت و احساس انزوا
- چگونگی سازگاری با همکاران



## یک روز با من

انواع مدل‌های مدیریت منابع انسانی

معلم شکوه سخن در زمین

معلم عروج هنر با یقین

معلم بلندای پرواز نور

معلم سرودی ز دریای شور

(( هنر معلمی شغل و حرفه نیست، بلکه ذوق و هنر

توانمندی است ))

حرفه معلمی عشق می‌خواهد، ولی کسی تاکنون به این موضوع نپرداخته که عشق به کار از چه مواردی منشا می‌گیرد (دانش آموزان، آموزش، حقوق دریافتی، استخدام رسمی)؟

در دوران دانش آموزی دیدگاهی که نسبت به حرفه معلمی داشتم با زمان حال که در این حرفه مشغول به کار هستم به کلی متفاوت است. زمانیکه دانش آموز بودم تصورم از زندگی معلمی بدین صورت بوده که شخص معلم مورد احترام تمام افراد جامعه است و دارای ویژگی‌های بارزی همچون مدیریت کلاسی به صورت عالی، ارتباط موثر با دانش آموزان، تکرار مباحث درسی جهت تثبیت در ذهن و ...؛ او را موجودی می‌دیدم در نهایت کمال، کسی که همه چیز را می‌داند و برای من بهترین فردی بود که می‌شناختم.





**صاحب امتیاز:**

**جمعیت فرهنگیان جوان**

**مدیرمسئول:**

**علی فلاحتکار**

**سرمدبیر:**

**امیرحسین سلطانی**

**هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):**

**فرانک آرامی ، حسین اشراقی ، آرزو رشیدی ،**

**زهرا صیادی اناری، امیرحسین فکر جوان ،**

**پوریا گلپایگانی**

**گرافیک و صفحه آرایی:**

**امیرمحمد شیرخدا ، سجاد رئیسی**

**حل چالش‌های فردی:** مدیران با سازوکارهای متعدد مانند ایجاد رابطه حرفه‌ای و حمایتی با نومعلم، ایجاد شرایط کار مثبت در بین همکاران، ایجاد فضای مشترک میان نومعلم با معلمان باتجربه، قادر خواهد بود که از نومعلم حمایت کند و سبب کاهش تنش و اضطراب و عدم انزوای نومعلم شوند.

#### ♦ **چالش‌های حرفه‌ای**

- مدیریت کلاس درس
- تسلط بر محتوا و تدریس موثر
- ارزیابی دانش آموزان
- رفع نیازهای دانش آموزان
- جلب اعتماد و سازگاری با والدین

**راه حل چالش‌های حرفه‌ای:** می‌توان ریشه عدم برقراری و حفظ روابط مناسب با والدین دانش‌آموزان را در تازه کار بودن و کم تجربه‌گی این معلمان برای مواجهه با فشار ناشی از موقعیت‌ها و شرایط جدید جست.

#### ♦ **چالش‌های سازمانی**

- الف) آشنایی با مدرسه
- آشنایی با رویه‌های مدرسه
- منابع آموزشی
- جمعیت دانش آموزان

**راه حل چالش‌های سازمانی:** مدیران می‌توانند با فراهم کردن توجه مقدماتی کامل برای نومعلم، ترغیب فضای مدرسه‌ای که از همکاری پشتیبانی می‌کند، تامین منابع آموزشی کافی از نومعلم خود پشتیبانی کنند.

**نویسنده: آرزو رشیدی**